

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال دهم، شماره بیست و نهم، زمستان ۱۳۹۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۱۳

تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۹/۲۷

صفحات: ۷-۲۸

## احزاب سیاسی و نقش آن در توسعه سیاسی ایران: مطالعه موردی انتخابات

دکتر صادق زیباکلام

استاد علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

مرتضی مقتدایی\*

دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، گروه علوم سیاسی، ایران، تهران

### چکیده

امروزه بسیاری از متفکران لازمه تبدیل مشارکت توده ای به مشارکت فعال و سازمان یافته را در تأسیس احزاب به معنای واقعی کلمه می دانند و آن را مرحله تکمیلی از مراحل انقلاب اسلامی به شمار که چنین امری در جهت تضمین تداوم و تعادل نظام ضروری است. اکنون که کشور در فرایند فراز و نشیب های نوسازی، توسعه و بحرانهای آن قرار دارد تقاضای مشارکت سیاسی نیز رو به افزایش است و بدیهی ست که شاخصه اصلی توسعه سیاسی به مشارکت سیاسی می باشد. مشارکتی که خود برخورد از ابزار های کارآمد و سازمانهای نهادمند باشد. نگاهی اجمالی به نظام سیاسی کشورمان بیانگر این نکته می باشد که احزاب بمعنای حقیقی کلمه شکل نگرفته اند بلکه گروهها ی سیاسی بنام حزب در ایام انتخابات موقتاً فعالیت کرده و بعد از آن هیچ رابطه دقیق و تعریف شده ای میان نمایندگان حزبی و خود حزب وجود ندارد بنابراین اگر آسیبها و موانع تحزب برطرف شده و حزب به معنی صحیح کلمه شکل بگیرد تأثیر به سزائی در کاهش خطاهای انتخاباتی داشته و مسیر توسعه سیاسی را هموارتر خواهد نمود.

### کلید واژگان

حزب سیاسی، کارکردها، موانع توسعه، توسعه سیاسی، انتخابات، نظام حزبی، نظام انتخاباتی

---

\* نویسنده مسئول

## مقدمه

امروزه احزاب یکی از ضروریات زندگی جوامع بشری در دوره مدرن محسوب می‌شود به‌طوری‌که یکی از مؤثرترین نهاد های تأثیر گذار بر روند های تصمیم گیری و اجرائی کشور و به عنوان حلقه رابط بین مردم و حاکمیت سیاسی عمل می‌کند. در جوامع و نظامهای سیاسی کنونی تقریباً هم اندیشی کاملی نسبت به ضرورت تحزب وجود دارد و از احزاب بعنوان چرخ دنده ماشین دموکراسی یاد می‌شود. در نظام جمهوری اسلامی ایران شاهد پیدایش احزاب و گروههای سیاسی مختلف با آرمانها و عقاید گوناگون بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بودیم لیکن با گذشت سه دهه از پیروزی انقلاب هنوز احزاب سیاسی به معنای واقعی کلمه نهادهای نشده‌اند و هیچکدام از احزاب نتوانسته اند کار ویژه واقعی احزاب از جمله مشارکت سیاسی، جامعه پذیری سیاسی، ارتباطات سیاسی و... را داشته باشند اگر چه به کرات نام احزاب شنیده شده اما اکثریت قریب به اتفاق آنها فقط نام حزب را یدک کشیده اند. علیرغم تجربه ناموفق احزاب سیاسی در ایران هنوز هم اعتقاد به ضرورت نهاد های نظام مند، سازمان یافته، رسمی، قانونی و هدفمند کماکان به قوت خود باقی است. اگر ساختار بیمارگونه احزاب سیاسی بهبود یابد، آسیبها و موانع بر طرف گردد احزاب سیاسی با گرم نمودن فضای انتخابات از طریق تبلیغات، مناظره، گفتگو و به بحث کشیدن مسائل مهم و مشکلات جدی و ارائه راهکار ها، شهروندان بی تفاوت را تبدیل به شهروندانی مسئول و متحرک نموده باعث مشارکت بیشتر مردم در انتخابات شده و یکی از زمینه های تحقق توسعه سیاسی را فراهم می نمایند. در نوشتار حاضر سؤال اصلی پژوهشگر عبارت است از اینکه؛ احزاب سیاسی چه نقشی در توسعه سیاسی ایران دارند؟ در پاسخ به این سؤال که فرضیه پژوهش می باشد، پژوهشگر معتقد است، با رفع موانع تشکیل و نهادهای شدن احزاب در ایران زمینه های مشارکت سیاسی فعال و نهادمند فراهم و یکی از بسترهای توسعه سیاسی محقق خواهد شد.

## ۱. مبانی نظری

### الف. تعریف حزب سیاسی

در باره حزب میان اندیشمندان علوم سیاسی اتفاق نظر چندانی وجود ندارد و هر یک از آنها حزب را

بر اساس برداشتهای علمی و یافته های تجربی خویش تعریف کرده اند «گتل»<sup>۱</sup> حزب سیاسی را چنین تعریف می کند: «حزب سیاسی مرکب از گروهی از شهروندان کم و بیش سازمان یافته است که بعنوان واحد سیاسی عمل می نمایند و با استفاده از حق رأی خود می خواهند بر حکومت تسلط پیدا کنند و سیاستهای عمومی خود را عملی سازند» «مک آیور»<sup>۲</sup> حزب سیاسی را «گرد هم آئی سازمان یافته برای حمایت از برخی اصول یا سیاستها که از راههای قانونی می کوشند حکومت را بدست گیرند» تعریف می کند. (عالم، ۱۳۸۲: ۳۳۴)

«جیوانی ساتوری»<sup>۳</sup> حزب را چنین تعریف می کند: «حزب گروه سیاسی است که با عنوان رسمی شناخته می شود و موقع انتخابات می تواند کاندیدای خود را برای پستهای دولتی منتخب کند» (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۲۲)

«موریس دوورژه»<sup>۴</sup> اندیشمند فرانسوی بدون آنکه تعریف مشخصی از حزب ارائه کند به ویژگی، اهداف، تاریخچه، علل و نحوه پیدایش احزاب پرداخته و مطالعات مفصلی در این زمینه انجام داده است. از مجموعه نوشته های وی می توان به این تعریف از حزب رسید: «این سازمانها (احزاب) گروههای بنیان یافته، منظم و مرتبی هستند که برای مبارزه در راه قدرت ساخته شده اند و منافع و هدفهای نیروهای اجتماعی گوناگون را بیان می کنند و خود به خود به درستی وسیله عمل سیاسی آنان می باشند. (دوورژه، ۱۳۵۴: ۱۵۳)

«لاپالومبارا»<sup>۵</sup> و «واینر»<sup>۶</sup> تعریفی از حزب ارائه می کنند که متضمن چهار شرط اساسی می باشد: نخست آنکه، حزب مستلزم وجود سازمان و تشکیلات پایداری است که حیات سیاسی آن از حیات بنیانگذاری آن فراتر باشد. دوم اینکه، تشکیلات حزبی دارای سازمان مستقر در محل، همراه با زیر مجموعه هایی باشد که در سطح ملی فعالیت داشته و با یکدیگر روابط منظم و متقابل داشته باشند.

---

<sup>1</sup> - Gettel

<sup>2</sup> - Maciver

<sup>3</sup> - Satori

<sup>4</sup> - Maurice duverger

<sup>5</sup> - Lapalon bars

<sup>6</sup> - Weiner

سوم اینکه، اراده رهبران ملی و محلی سازمان برای کسب قدرت استوار باشد. چهارم اینکه، حزب باید در پی کسب حمایت عمومی باشد و از پشتیبانی مردم برخوردار باشد. (نقیب زاده، ۱۳۷۸: ۱۴)

به طور کلی در یک تعریف جامع، حزب سیاسی را می توان چنین تعریف کرد: «حزب یک گروهی پایدار گروهی از مردم است که دارای عقاید مشترک و تشکیلات منظم اند و با پشتیبانی مردم برای بدست آوردن قدرت سیاسی از راههای قانونی مبارزه می کنند.» (عالم، ۱۳۸۱: ۳۴۵)

#### ب. کار ویژه های احزاب سیاسی

کار ویژه ها و کارکردهای احزاب واقعی، همواره موجب ثبات سیاسی و امنیت در هر نظام سیاسی است. یکی از کلاسیکترین و بهترین نگرش به کارکرد احزاب، نگرش سیستماتیک ساختاری - کارکردی است این نگرش در دهه ۱۹۶۰ وارد علوم سیاسی شد و مدافعانی چون گابریل آلموند، جیمز کلین و بیتگام پاول یافت. از این دیدگاه حزب به منزله یک فرد از سیستم اصلی نظام سیاسی و اجتماعی عمل می کند و با ایفای نقش جعبه سیاه دارای درون دادهها و برون دادهها و بازخور است. داده ها یا درون دادهها، حاوی مجموعه اطلاعات و خواسته های انتقالی به درون حزب است و یافته ها و برون داده ها عبارتند از کلیه تصمیم ها، مقررات، شعارها، موضع گیریها، خواهش ها، جهت گیریها، تاکتیکها، راهبردها و.... که از جعبه سیاه (حزب) خارج شده و در اختیار جامعه، دولت و سایر نهادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی قرار می گیرد. باز خورد هم عبارت است از بازتاب آن دسته از یافته ها که دوباره به صورت داده ها وارد جعبه سیاه شده و به صورت یافته های جدید از آن بیرون می آیند که در این نقش تعبیر و تفسیر داده ها صورت می گیرد. بنابراین حزب ماشینی است که مسائل را از سطح جامعه جمع آوری کرده و پس از تحلیل و دسته بندی به نهادهای تصمیم گیری (دولت، مجلس و...) عرضه می دارد. (اخوان کاظمی، ۱۳۷۸: ۱۰۴-۱۰۳)

اینک به برخی از مهمترین کارکردهای احزاب سیاسی اشاره می کنیم:

۱- احزاب می توانند به عنوان ابزاری برای استخدام سیاسی و مجرائی برای اعمال فشار از پائین به بالا عمل کنند.

۲- احزاب فرصتهایی را برای تشکیل ائتلافهایی از صاحبان منافع قدرتمند سیاسی به منظور حفظ و

تداوم حکومت فراهم .

۳- احزاب نقش بسیج کننده دارند، می توانند مردم را بسیج نمایند یا در پروژه های همیاری در سطح ملی شرکت کنند. (کلایو اسمیت، ۱۳۸۰: ۳۰۶-۳۰۵)

۴- احزاب سیاسی بعنوان نهادهای ضروری برای حفظ ثبات سیاسی در نظر گرفته می شوند. هانتینگتن با الهام از دوتوکویل یاد آور می شود، کل نظام سیاسی موقعی کار آمد است که از درجه بالای نهادینگی برخوردار باشد وی معتقد است از آنجائی که نیروهای جدید اجتماعی، که طی فرایند نوسازی به وجود آمده اند، خواهان مشارکت سیاسی در سطح گسترده هستند لذا ثبات جامعه در گرو جذب این سطح فزاینده از مشارکت سیاسی در سطح گسترده هست. احزاب می توانند به شکلی سازنده و مشروع به عنوان ابزارهای نهادی اصلی برای سامان دهی این مشارکت سیاسی عمل نمایند. (بدیع، ۱۳۷۹: ۱۰۰ و ۹۴)

۵- برخورد و انتقاد از حکومت و سعی در جلوگیری از انحراف حکومت اکثریت از معیار های ارزش و مصالح و منافع ملی با نظارت دائم.

۶- بالا بردن ضریب صحت تصمیم گیریهای سیاسی و سیاستگذاریهای راهبردی و کاهش احتمال خطا با افزایش مشارکت و تضارب آراء در سطح نخبگان و عموم جامعه.

#### پ. توسعه سیاسی

در سال ۱۹۶۵ «لوسین پای» فهرست کاملی از معانی مختلف توسعه سیاسی را گرد آورد. فهرست وی شامل معانی متعدد از جمله نوسازی سیاسی، ثبات و تحول منظم به بسیج و قدرت، ساختن دموکراسی، مشارکت و بسیج توده ای، عملیات یک دولت ملی، شرایط سیاسی لازم برای توسعه اقتصادی بعدی از فرایند چندجانبه تحول اجتماعی و توسعه اداری و قانونی می شد. «روبرت واردو روستو» اعتقاد دارد که توسعه سیاسی عبارتست از رسیدن به جامعه سیاسی مدرن که دارای ویژگیهایی چون حاکمیت شیوه عقلانی و دنیوی بر تصمیم گیریها، تنوع و سیستم کارکردی خاص حاکم بر سازمان حکومتی، میزان بالایی از همگرایی و یکپارچگی در درون ساختار حکومتی، گستره زیاد تصمیمات سیاسی و اداری، احساس همبستگی بالا با تاریخ، سرزمین و هویت ملی کور، قرار گرفتن فنون کنترل و قضایی بر مبنای یک نظام

حقوقی دنیوی و غیرشخصی و منابع محلی گسترده و دخالت در نظام سیاسی و تخصیص نقشهای سیاسی از طریق ضابطه می باشد. «آلموند و پاول» معتقد هستند که توسعه سیاسی عبارت از پاسخی است که سیستم سیاسی به تحولات محیط اجتماعی یا بین المللی خود می دهد، و به ویژه پاسخی است در مقابل مبارزه جوئیهای دولت سازی، ملت سازی، مشارکت و توزیع سه معیار برای توسعه سیاسی شامل تنوع ساختاری، خودمختاری در خرده سیستم و دنیایی شدن فرهنگی. (رحیمی، ۱۳۷۸: ۶-۷). برخی از مهمترین شاخص های توسعه سیاسی عبارتند از: ۱- فردگرایی مثبت تشویق شود ۲- آموزش مهمترین رکن برنامه ریزی جامعه باشد ۳- عموم مردم شیوه های کار جمعی را بیاموزند ۴- نهاد های غیردولتی در نظام اجتماعی مؤثر و فعال باشد ۵- انتخاب افراد مبتنی بر رقابت، توانائی و لیاقت باشد. (سریع القلم، ۱۳۸۱: ۱۰۴)

#### ت. انتخابات

موریس دوورژه انتخابات را میوه همگانی شدن حق رأی می داند در نتیجه فرایند تشکیل نخستین احزاب سیاسی را به رقابتی شدن انتخابات گره می زند. (ایوبی، ۱۳۹۰: ۹۴) با توجه به اینکه هیچ انسانی به مجرد انسان بودنش خالی از خطا و اشتباه نیست، حاکمان نیز از این امر مستثنی نمی باشند برای آنکه اشتباه حاکمان به حداقل برسد ضروریست، از افکار و اندیشه ها و راهنمائی های توده ها و طبقات مختلف جامعه استمداد جویند همچنین مردم برای اینکه بتوانند در فرایندهای سیاسی مشارکتی فعال داشته باشند و قدرت را نیز کنترل کنند فرایندی با نام انتخابات در یک نظام سیاسی حائز اهمیت می شود انتخابات ابزاری است که به وسیله آن می توان اراده شهروندان را در شکل گیری نهادهای سیاسی و تعیین متصدیان اعمال اقتدار سیاسی مداخله داد. انتخابات سلسله اقدامات و عملیات منسجم و پیوسته‌ای است که در یک محدوده جغرافیائی مشخص و در زمان محدود و معین صورت می گیرد و منجر به برگزیده شدن فرد یا افراد و یا موضوعی خاص از سوی اکثریت مردم می شود. انتخابات رایج ترین واژه سیاسی در کشورهای دموکراتیک و طریقه اصلی تعیین مقامات انتخابی است. (صابری، بی تا: ۳۷۶-۳۷۷)

### ج. نقش احزاب سیاسی در انتخابات

احزاب سیاسی ارتباط تنگاتنگی با کلیه وجوه سیاست و علی‌الخصوص انتخابات دارد. احزاب سیاسی با سازمان دادن به اندیشه‌ها و گرایش‌های سیاسی موجود در جامعه در عین حالی که عامل تقسیم کردن و متشکل ساختن مردم به شاخه‌ها و بخش‌های گوناگون اند، عامل نزدیک کردن و تلفیق نمودن خرده‌گرایش‌های فردی و اجتماعی در قالب دکترین‌ها، ایدئولوژی‌ها و یا نظام‌های اندیشه‌ای کم و بیش منسجم می‌باشند این معنی، طبعاً به مبارزه‌های انتخاباتی ابعاد عمیق تری می‌بخشد و معنی و مفهوم موضوعات مورد مبارزه را از شکل فردی و گاهی سطحی خارج کرده و به آن رنگ و بوی فلسفی، اجتماعی و فرهنگی می‌افزاید و به صورت مسائل سازمان یافته‌تر به بازار سیاست عرضه خواهد کرد. همچنین انتخابات حزبی بر انتخابات بدون حزب، برتری دارد. چرا که در صورت نخست تعداد نامزد‌های انتخابات معقول‌تر خواهد بود و این امر خود از پراکندگی آراء شهروندان جلوگیری بعمل می‌آورد و قدرت نمایندگی منتخبین را افزایش خواهد داد. در حالی که اگر احزاب وجود نداشته باشد، شهروندان هم از حیث نامزدی و هم از جهت رأی دادن دچار پراکندگی گردیده و طبعاً ضریب قدرت پشتیبانی نمایندگان کاهش خواهد یافت و عمل رأی دادن به جای اینکه بر مآخذ برنامه سیاسی یا فکر و اندیشه مرامی و مسلکی باشد بر پایه وابستگی به شخصیتها و لزوماً احساسی یا سطحی خواهد بود. در طول جریان انتخابات علاوه بر دستگاه‌های رسمی أخذ رأی و نظارت، نمایندگان احزاب و گروه‌های سیاسی نیز برای تأیید درستی انتخابات و مراقبت در حسن اجرای آن شرکت دارند (رضایی، ۱۳۸۵: ۲۰۳-۲۰۱) و ارزیابی پیروزی یا شکست احزاب سیاسی در جریان انتخابات بدرستی و با خطای کمتری صورت می‌پذیرد. در نظام سیاسی اروپا بدلیل اینکه احزاب سیاسی در ساختار حکومت تعریف شده هستند و جایگاه ویژه‌ای دارند، اساساً جریان امور سیاسی بدون احزاب محال شده است لذا عملاً این امکان وجود ندارد که افراد غیر حزبی بتوانند قدرت را بدست گیرند لذا یک ثبات را در دست به دست شدن قدرت می‌بینیم (ایوبی، ۱۳۸۷: ۳-۲) از این رو میان انتخابات و احزاب سیاسی پیوند و ارتباط نزدیکی وجود دارد زیرا احزاب سیاسی در هدایت و بسیج ملت به پای صندوق رأی و معرفی چهره‌های کاندیداتور نقش مؤثری دارند. در این تلقی نوعی رابطه دو سویه میان احزاب سیاسی و دموکراسی برقرار می‌شود. از یک سو دموکراسی بعنوان بستر ظهور و شکل‌گیری و نهادینه شدن احزاب

سیاسی مطرح می‌گردد و از سوی دیگر حزب سیاسی نردبان صعود موفقیت‌آمیز روند توسعه سیاسی که مشارکت سیاسی شهروندان از شاخص‌های مهم آن است را فراهم می‌کند. (صابری، بی‌تا: ۳۷۶-۳۷۵)

## ۲. تاریخچه احزاب سیاسی در ایران

حزب در ایران به شکل امروزی و مدرن قدمتی بیش از صد سال ندارد اما در دوران قدیم شاهد احزاب نظامی که پی مقاصد نظامی بودند همچو سرداران در ایران هستیم. حزب در ایران بعد از انقلاب مشروطیت پا گرفت و احزاب به صورت علنی و رسمی خود را به جامعه ایران معرفی کردند.

در دوران استبداد مطلقه ناصرالدین شاه شاهد شکل‌گیری انجمن‌های مخفی هستیم که در گروه‌های دوازده تا پانزده نفری تشکیل شده و به صورت دوره‌ای در منازل اعضا منعقد می‌شدند. در واقع علت تشکیل این انجمنها در پی سفرهای مأمورین، سفراء، محصلین و مترددین به اروپا و مشاهده نوع و شیوه حکومت در آن قاره بود که خواستار اصلاحات و در کل بهبود شرایط کلی کشور از سوی این طیف بود. در رابطه با نقش این جمعیتها در انقلاب مشروطه، خانم لمبتن محقق مشروطه می‌نویسد: «تعجیبی ندارد اگر بگوییم که جمعیت‌های مختلفی در نخستین مراحل نهضت مدرنیته کردن ایران که منجر به انقلاب مشروطه شد سهم مهمی داشتند و انقلاب تا حد زیادی مدیون فعالیت این انجمن‌های مخفی است (باقری خوزانی، ۱۳۸۳: ۱)

به‌طور کلی از ویژگی‌های دوران مشروطیت، آشنایی ایرانیان با مدرنیسم و لیبرالیسم و انتقال جنبه‌های از ویژگی‌های نظری آن به ایران بود، اما حضور دولت مرکزی خودکامه در این جامعه از یکسو و ضعف بورژوازی بویژه بورژوازی صنعتی از دیگر سو باعث شد که لیبرالیسم و ویژگی‌های جامعه مدرن نتواند در این جامعه پابگیرد لذا اگر چه احزاب برای اولین بار در زمان انقلاب مشروطیت شکل گرفتند ولی همانطور که نهاد مشروطیت نتوانست در ایران پایه محکمی پیدا کند، احزاب نیز با سرنوشت مشابهی روبرو شدند (علمداری، ۱۳۸۵: ۳)

در دوران حکومت رضاشاه احزاب سیاسی در خفقان به سر می‌بردند و فعالیتی در سطح جامعه نداشتند به طوری که رضاخان در بازگشت از ترکیه کلیه مظاهر مدرنیسم دولتی و آمرانه را وارد ایران کرد، اما نه تنها حزبی نساخت که احزاب برآمده از مشروطه را نیز از عرصه عمومی و سیاسی حذف کرد (قوچانی، ۱۳۸۴: ۱) دوره پس از شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دوره جدیدی از زندگی و تاریخ

کشور ماست. این دوره که ویژگی و اهمیت آن بیش تر از هر چیز با جنبش ملی شدن نفت عجین گردید در حقیقت اوج حزبی شدن جامعه ایرانیست دو جریان اصلی و عمده سیاسی در این مقطع یعنی جبهه ملی ایران و احزاب تشکیل دهنده آن از یک طرف و حزب توده از طرفی دیگر موفق شدند نه تنها ایت ها و نخبگان سیاسی و فرهنگی جامعه را به فعالیت تشکیلاتی و حزبی جامعه جلب نمایند بلکه تشکیلات حزبی و سازمانهای صنفی وابسته خود را تا دوردست ترین نقاط کشور گسترش دهند. مذهبیین نیز در قالب گروههای مختلف مانند حزب مجاهدین اسلام به رهبری آیت اله کاشانی - فدائیان اسلام به رهبری نواب صفوی - هیأت‌های مؤتلفه اسلامی - حزب ملل اسلامی و... فعال بودند با شکست نهضت نفت و فروپاشی احزاب و سرکوب گسترده جنبش دموکراتیک مردم ایران بیشترین صدمات به ساختارهای کشور وارد شد. استمرار حکومت دیکتاتوری کودتا و خروج بخش قابل ملاحظه ای از رهبران سیاسی به خارج از کشور یا گوشه گیری و حاشیه نشین شدن آنها در ایران در حقیقت مهلک ترین ضربه به جنبش دموکراتیک و حزبی در تاریخ معاصر ایران است این عوامل باعث شد که مسائل مبتلابه احزاب و سازمانهای سیاسی کشور از حوزه مسائل کلان جامعه به مخالفت صرف با حکومت و کم کم به دشمنی کینه توزانه ای با حکومت تقلیل پیدا کند و سیاست از حوزه یک کار تخصصی به سطح نازل مخالفت صرف تقلیل پیدا کند. این امر فقر آینده جنبش سیاسی و خرابی در ایران را موجب شد که تأثیر این فقر را در رهبری احزاب و سازمانهای بعدی می توان بخوبی مشاهده کرد. (فانی یزدی، ۱۳۸۵: ۳-۱) در دهه های ۴۰ و ۵۰ موج جدیدی از سازمانهای سیاسی در خارج و داخل کشور بوجود آمد این سازمانها که عمدتاً تحت تأثیر مبارزات چریکی و متأثر از جنبش هایی مانند جنبش های کوبا، الجزایر، فلسطین و دیگر جنبش های چریکی در کشورهای آمریکای جنوبی و مرکزی بودند، مبارزه سیاسی را تا حد مبارزه مسلحانه چریکی و احزاب سیاسی را تا حد سازمانهای چند نفری مخفی و زیر زمینی در داخل و خارج از کشور تقلیل دادند، رهبری سازمانهای دوران اخیر بر خلاف رهبران احزاب قبلی فاقد کمترین تجربه زندگی اجتماعی، تحصیلات عالیه دانشگاهی، مدیریت سازمانهای اقتصادی و سیاسی در بخش های مختلف بودند. (فانی یزدی، ۱۳۸۵: ۴-۳) در آن اوضاع و احوال ایران به سمت یک نظام تک حزبی پیش می رفت شاه با توجه به اینکه احزاب گوناگون علت درگیریها و دغدغه های سیستم و نظم کشور است تمام آنها را در قالب حزب واحدی بعنوان «حزب رستاخیز» تحت

کنترل درآورد و اعلام کرد هر ایرانی باید عضو این حزب شود و کسی که در این حزب نام نویسی نکند و نمی خواهد با ما باشد از ایران برود.

به طور کلی در دوره پهلوی دوم ایرانیان بر اثر ضرورت زمان، تا حدودی فضای باز سیاسی را تجربه کردند و احزاب و تشکلهای سیاسی متعددی نیز شروع به فعالیت نمودند بعنوان نمونه در برخی از منابع فهرست اسامی ۶۲ حزب و تشکل سیاسی و در برخی ۶۸ تشکل سیاسی را شمرده اند بر خلاف اینکه شاهد رشد کمی احزاب و تشکلهای سیاسی در این دوران هستیم، اما این رشد هرگز جنبه کیفی بر خود نگرفت و نتوانست بعنوان وسیله ای برای مشارکت مردم در روند فعالیت سیاسی ایفای نقش نماید چرا که این احزاب با انگیزه جلب مشارکت مردمی تشکیل نشده بود و بیشتر جنبه تقلیدی و صوری داشتند پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن سال ۵۷ بزرگترین مانع سیاسی مشارکت مردمی در امور سیاسی و اجتماعی یعنی رژیم مستبد و خود کامه شاهنشاهی از میان برداشته شد و بسترهای مناسب فرهنگی، اجتماعی و سیاسی برای حضور مردم در صحنه با تأکیدات رهبر انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) تقویت گشت. (عیوضی، ۱۳۸۲: ۴-۳)

- روی هم رفته چهار بلوک از نیروها و احزاب سیاسی در سالهای پس از پیروزی انقلاب پدیدار شدند:
- ۱- احزاب غیر لیبرال و بنیاد گرای متعلق به روحانیت سیاسی که خواستار ترکیب مذهب و سیاست و تأسیس حکومت دینی و اجرای احکام اسلام از طریق نظام سیاسی بودند.
  - ۲- احزاب و گروههای لیبرال طبقه متوسط، که هسته اصلی این دسته از احزاب را گروههای اپوزیسیون قدیم رژیم شاه تشکیل می داد مهمترین خواست آنها تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی از طریق محدود کردن قدرت سیاسی و ایجاد نوعی مشروطیت یا جمهوری بود.
  - ۳- احزاب چپ گرای اسلامی که با گسترش ایدئولوژی اسلام سیاسی در بین روشنفکران و تحصیل کردگان طبقه متوسط جدید قبل از انقلاب تکوین یافته بودند. اسلام سیاسی روشنفکران رادیکال گرایشهای شبه سوسیالیستی و غرب ستیزانه داشت و سنت اسلام را به شیوه انقلابی تعبیر و تفسیر می کرد.
  - ۴- احزاب و گروههای سوسیالیست و مارکسیست. نیروهای چپ در سالهای اولیه انقلاب مرکب از مجموعه ای از گروهها و دسته بندی های کوچکی بود که بر پایه جنبش های دانشجویی شکل گرفته

\_\_\_\_\_ احزاب سیاسی و نقش آن در توسعه سیاسی ایران: مطالعه موردی انتخابات ◇

بودند. خواسته های اصلی آنان ملی کردن صنایع و بانکها، قطع رابطه با امپریالیسم آمریکا، ایجاد ارتش مردمی و اعطای خود مختاری به اقوام و اقلیت های قومی بود. (بشیریه، ۱۳۸۵: ۳۲-۲۷)

### ۳. احزاب سیاسی و توسعه در ایران

#### الف. حزب در قوانین

۱) حزب در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: اگر بخواهیم از منظر مطالعات تطبیقی قانون اساسی کشورهای مختلف را نگاه کنیم، معمولاً یک اصل از اصول قانون اساسی مربوط به حقوق ملت ها ست. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در ۲ اصل ۲۶ و ۲۷ به کلیات مربوط به آزادی احزاب و انجمن ها و شرایط و حدود فعالیت آنها پرداخته است. در اصل ۲۶ قانون اساسی آمده: « احزاب، جمعیت ها، انجمن های اسلامی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد و یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت» در اصل ۲۷ نیز آمده: «تشکیل اجتماعات و راهپیمائی ها، بدون حمل سلاح به شرط آنکه مخل مبانی اسلام نباشد آزاد است». (منصور، ۱۳۸۶: ۴۰)

۲) حزب در قوانین و مصوبات مجلس شورای اسلامی: قانون فعالیت احزاب، جمعیتها و انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده در ۲ فصل، ۱۹ ماده و ۹ تبصره در مورخه ۱۳۶۰/۶/۷ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت.

#### ب. موانع و محدودیت های احزاب در ایران

با اذعان به این نکته اساسی که احزاب در ایران از یک پیشینه بیش از صد سال برخوردارند و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و شکل گیری احزاب و گروه های سیاسی نو از پشتوانه های قانونی مانند قانون اساسی و سایر قوانین برخوردار بوده چرا احزاب واقعی شکل نگرفته اند؟ چه موانع و محدودیتها وجود دارد؟ برای پاسخ این سوالات به طور خلاصه به نکاتی مهم اشاره می گردد:

۱) تشکیل احزاب سیاسی از بالا به پایین (فرمایشی بودن احزاب): در کشورهای دموکراتیک دولتها

حزبی هستند یعنی از طریق فعالیتهای حزبی و انتخاباتی به قدرت رسیده اند. به طور کلی احزاب دستوری در ایران در سه قالب ظاهر شده اند:

- الف) احزابی که متکی به یک شخصیت بوده و بر محور فردیت شکل گرفته اند.
- ب) احزابی که با سفارش نظام حاکم توسط کارگزاران برجسته رژیم بوجود آمده اند.
- پ) احزابی که بنا بر شرایط ویژه سیاسی پدیدار شده و عبارتی احزاب واکنشی اند. (ناظری، ۱۳۸۱: ۲۱۴-۲۱۳)

احزاب فرمایشی سه ویژگی عمده دارند: اول اینکه، فاقد اصالت حزبی هستند، دوم: با از میان رفتن شخصیت با نفوذ و دستیابی به هدف و کسب منافع غیر سیاسی، حزب هم از میان می رود، سوم: عملکرد آنها به جای ارتقاء فرهنگ و مبارزه سیاسی، اخلاق سازشکاری و تعلیم ریا و نفاق و حيله گری را به مردم آموزش می دهد و این عامل مهمی می شود در راستای بیزاری و تبری جستن مردم از احزاب و فعالیتهای حزبی. (رضایی، ۱۳۸۵: ۲۴۸)

در واقع هیچ یک از احزاب و تشکل های سیاسی که در جامعه وجود دارند از پائین شکل نگرفته اند، یعنی عده ای از اصحاب دولت، افرادی که هر کدام تشخیص سیاسی دارند و یک وزنه سیاسی به شمار می آیند کارگزاران یا روحانیت، روحانیون، سازمان مجاهدین انقلاب و... را تشکیل داده اند و کلیاتی را هم مطرح کرده اند همین و بس. (کاجی، ۱۳۸۰: ۲۲۵) بنابراین بسیاری از احزاب در حقیقت فقط یک اسم هستند یک نام هستند. یک حزب واقعی نیستند چرا؟ برای اینکه مثلاً چند نفر نماینده مجلس که هم سوییپهایی با هم دارند آمده اند یک حزب درست کرده اند یا گروهی از افراد که منافع سیاسی مشابهی دارند و دارای یک فصل مشترک هستند یک حزب و گروهی را ایجاد کرده اند. (زیبا کلام، ۱۳۷۹: ۲۰۹)

۲) فرهنگ سیاسی حاکم: در مجموع می توان مؤلفه های مهم و معنی دار فرهنگ سیاسی ایران و عوامل بازدارنده زندگی سیاسی و فرهنگ تحزب را در موارد ذیل دانست:

الف) نامداری سیاسی: فرهنگ تساهل و تسامح یک فرایند سیاسی و اجتماعی است و از عناصر بسیار اساسی پیشرفت و ترقی جوامع به حساب می آید. تساهل به تحقق قانون، تشویق و ترغیب مردم، به گفتگوی منطقی و ایجاد فضای عقلایی کمک می کند و بالعکس روحیه عدم تساهل سیاسی و انقیاد طلبی، انسان را از واقع نگری و داوری منطقی باز می دارد و او را دستخوش تحمل پذیری و ستیزه

جویی می کند. (ناظری، ۱۳۸۱: ۲۰۲)

ب) دولت تنها منبع فرهنگ اجتماعی نباشد: حکومتها بیش از اقشار مختلف جامعه به قدرت می اندیشند و توجه می کنند اما اگر نیروها و عوامل تعدیل کننده در جامعه وجود نداشته باشد زمینه های فکری و فرهنگی جامعه چند بعدی نخواهد بود. جامعه ای به سمت توسعه سیاسی می رود که تنوع منابع قدرت را بپذیرد و از ابعاد مختلف روح و روان فکر انسانها بهره داری کند. اگر دولت تنها مجری این وظایف باشد اقشار مختلف یک جامعه به دولت متصل شده و محافظه کار می شوند. اگر جامعه ای به ظهور جمعیت، اصناف، انجمن و بنیادهای مختلف فکری، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی میدان دهد، مشارکت و احساس و انگیزه و توانایی مشارکت در میان مردم تقویت می شود، تشکل اجتماعی مفهوم می یابد و جامعه به طرف تولید فکر و فرهنگ و بحث و گفتگو حرکت می کند (سریع القلم، ۱۳۸۱: ۱۱۱)

پ) تفکر شخصی و سلیقه ای: یکی از معضلات فرهنگی که نه تنها در ایران بلکه در جهان اسلام سایه افکنده، شخصی اندیشیدن و سلیقه ای اندیشیدن است. هنر شنیدن، هنر درک، هنر تبادل و ارتباط، هنر فراگیری، هنر جمعی اندیشیدن و هنر همگانی اندیشیدن از لوازم تشکل اجتماعی است اگر شهروندان در جریان اندیشه های یکدیگر قرار نگیرند و پلهای ارتباطی برقرار نکنند، چگونه می توانند به تشکل، انسجام و سیستم برسند. (سریع القلم، ۱۳۸۱: ۴۴)

ت) سیاست گریزی: در فرهنگ ما، سیاست همواره در تاریخ این مرز و بوم امر حقیری بوده است به طوریکه در بین توده های مردم بی میلی، بد بینی و کناره گیری از سیاست وجود دارد لذا مشهور است که می گویند: «سیاست بی پدر و مادر است» به طور کلی در فرهنگ سیاسی بعد از انقلاب دو گرایش متفاوت مطرح شده است. یک گرایش مخالف احزاب و مشارکت سیاسی مردم بوده است و آن را بر اساس مشروعیت و حقانیت گروهی خاص تعبیر می کنند که جلوی تکثر گرایی و پلورالیسم را می گیرد. جریان مقابل بر اساس فرهنگ سیاسی خلق شده بعد از انقلاب با شرکت مردم و احزاب در جریانات سیاسی موافق اند (رضایی، ۱۳۸۵: ۲۴۶)

در یک جمع بندی و نگاه کلی باید گفت که عدم قدمت طولانی و تجربه ناموفق احزاب در ایران موجب شده است که انباشت تفکر سیاسی و حزبی صورت نگیرد. در میان ایرانیان و در فرهنگ ما فعالیت جمعی و گروهی جایگاه مناسبی ندارد. فردیت در معنای منفی آن، تبدیل شدن اختلافات فکری

به اختلاف شخصی، هیجانی و احساسی عمل نمودن، عدم پذیرش یکدیگر و آستانه پایین تحمل باعث شده تا تمایل زیادی به جمع‌گریزی ایجاد و براحتی هر گروه متلاشی یا دچار انشعاب گردد. عدم تعمیق فرهنگ حزبی و استنباط منفی از آن به گونه‌ای است که عضویت در یک حزب و یا حزبی بودن دارای بار منفی است. به‌طوریکه «فرا جناحی» بودن بعنوان یک ارزش مثبت تلقی می‌شود و لذا برخی نخبگان و فعالان سیاسی کشور یکی از افتخارات خود را «حزبی نبودن» می‌دانند. (مقتدائی، ۱۳۸۶: ۱۵۵)

۳) موانع قانونی: به موجب اصل ۲۶ قانون اساسی «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند مشروط بر اینکه، اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی و موازین اسلامی جمهوری اسلامی را نقض نکنند، هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد و یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت». در راستای اجرای این اصل، قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی، صنفی و اسلامی و اقلیت‌های دینی شناخته شده در سال ۱۳۶۰ از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت. این قانون دارای ۴ فصل است که فصل دوم آن مربوط به کمیسیون ماده ۱۰ می‌باشد. بسیاری از حقوقدانان و کسانی که از منظر حقوق عمومی به فعالیت احزاب می‌نگرند همین قانون مصوب مجلس را یکی از موانع شکل‌گیری تحزب به معنای واقعی کلمه می‌نگرند.

برخی از مهمترین نواقص و موانع را به شرح ذیل بیان می‌کنیم:

الف) اصل ۲۶ قانون اساسی به صراحت اعلام می‌دارد که «احزاب، جمعیت، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند» و ماده ۶ قانون فعالیت احزاب مصوب ۱۳۶۰ نیز تصریح می‌کند که: «فعالیت گروه‌ها آزاد است» ولی به رغم این تصریح‌ها فعالیت حزبی در ایران رونق ندارد و مهمترین مراسم سیاسی کشور از جمله انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی کمتر در قالب رقابت‌های سیاسی جدی بین احزاب برگزار می‌گردد.

ب) طبق ماده ۱۰ قانون احزاب به وزارت کشور اختیار داده شده که نسبت به صدور پروانه برای گروه‌ها اقدام کند اما در ماده ۱۰، صدور پروانه منوط به بررسی در خواست متقاضیان تشکیل حزب در کمیسیونی شده است که اصطلاحاً به کمیسیون ماده ۱۰ معروف است نکته مهم این است که در قانون احزاب معیار انتخاب و اتخاذ تصمیم در این کمیسیون بیان نشده است. یعنی بر چه معیاری کمیسیون

باید تقاضای تشکیل حزب را ردّ یا قبول کند. (درودی، ۱۳۷۸: ۱۷)

پ) قانون در خصوص اعتراض به تصمیمات کمیسیون ماده ۱۰ که ممکن است از طرف متقاضیان تأسیس حزب در صورت عدم صدور مجوز فعالیت طرح شود، ساکت است. (رضایی، ۱۳۸۱: ۱۹۶)

ت) نص قانون اساسی (اصل ۲۶) این نظریه را که فعالیت حزبی نیاز به صدور پروانه ندارد را تأکید می کند ولی فعالان حزبی اگر بخواهند از مزایای به رسمیت شناختن حزب خود بر خوردار شوند یعنی حزب آنها بعنوان یک شخصیت حقوقی از حق تملک یا سایر حقوق اجتماعی استفاده کند نیاز دارد که پروانه بگیرد و بعد حزب را به ثبت برسانند. (همان: ۱۹۹) در واقع بدلیل پدیداری بسیاری از رویدادهای سیاسی خشونت بار در سالهای ۶۰-۵۹ که از تلاش های مسلحانه، خشونت بار و غیر قانونی گروهها و سازمانها ی مخالف انقلاب اسلامی نشأت می گرفت، مقننین قانون عادی در بحث و بررسی آزادی های گروههای سیاسی نتوانسته اند که از روح قانون اساسی پیروی کنند.

۴) ضعف عملکرد احزاب: بنا به دلایلی مانند تشکیل احزاب از بالا به پایین، نبود آموزش کافی در حزب و عدم وجود کادر سیاسی مناسب، بی توجهی به گردش نخبگان و نیرو های جدید در داخل حزب موجب شده تا احزاب نتوانند حتی به هنگام تأسیس نقش مؤثری ایفا کنند. از آنجائیکه احزاب عملکرد خوبی نداشته و نتوانسته اند بعنوان یک نهاد قدرتمند و تأثیر گذار در جامعه مطرح شوند مردم نسبت به احزاب ذهنیت منفی پیدا کرده اند لذا هنوز این احساس در مردم ایجاد نشده که تشکیل یک حزب و عضویت در آن می تواند در بهبود اوضاع و شرایط سیاسی، اقتصادی و... مؤثر باشد. اگر در ایران دولتها کمتر استراتژی داشته اند تا بر اساس آن کشور را اداره کنند و دولتمردان برخی اوقات پاسخگو نیستند ناشی از ضعف عملکرد احزاب و عدم درک شرایط و تصمیمات جدید توسط سیاستمداران است.

۵) عملکرد مقطعی: اصولاً ما دو سری حزب داریم یک سری احزابی که از آنها به ماشین های انتخاباتی تعبیر می شود و در فواصل بین انتخابات آماده می شوند فقط برای زمان انتخابات که آراء را جمع آوری کنند اما حزب واقعی ماشین انتخاباتی نیست. حزب واقعی، حزبی است که در زمان انتخابات فعال است، برنامه ارائه می دهد و در فواصل انتخابات یا جزو حزب اکثریت است که کشور را اداره می کند و یا در اقلیت است که دائماً نظارت و کنترل می کند و اقدامات دولت را رصد می کند یعنی حزب واقعی، حزبی است که دائماً فعال است. در کشور ما احزاب سیاسی کارکرد صرف انتخاباتی و آن هم فقط در زمان

انتخابات برای جلب آراء مردم دارند اما وقتی انتخابات تمام می‌شود هیچ رابطه دقیق و تعریف شده‌ای میان نمایندگان حزبی و خود حزب وجود ندارد. (ایوبی، ۱۳۸۷: ۳-۵)

#### پ. نظام انتخاباتی در قالب احزاب

اگر با توجه به برخی از موانع که ذکر کردیم موانع حزب مرتفع گردد و از احزاب دفع بیماری شود تا بتواند کار آمدی و توانمندی لازم را برای فعال کردن ظرفیتهای اجتماعی داشته باشند، و احزاب از کف جامعه تبلور یابند در این صورت مطالبات مردم بهتر پیگیری شده و با آموزش های لازم و کافی زمینه را برای شکل گیری دولتی مقتدر و در مسیر تأمین مطالبات انقلاب و مردم مهیا می سازند و یکی از بسترهای مهم توسعه سیاسی محقق می‌شود. یکی از این زمینه ها حضور فعال، گسترده و دائمی احزاب در انتخابات مختلف اعم از ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان رهبری و شوراهای اسلامی شهر و روستا است.

قبل از اینکه به برخی از آثار و پیامدهای انتخابات حزبی در ایران اشاره شود ابتدا سخنی چند در خصوص نظام انتخاباتی و در نتیجه نظام حزبی حاکم، مطرح می گردد:

نظام ها بر اساس احزاب سیاسی به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۱) نظام تک حزبی (رژیم های وحدت گرا): در این نظامها میان گرایش های مختلف سیاسی موجود در جامعه، رقابت آزاد وجود ندارد و نامزدهای انتخاباتی از سوی یک حزب معرفی می گردد مثل نظام های کمونیستی در شوروی سابق، فاشیستی در ایتالیا و نازی در آلمان.

۲) نظامهای دو حزبی (رژیم های کثرت گرا): در این نظام، قدرت سیاسی در هر انتخابات پارلمانی یا ریاست جمهوری، بین دو حزب بزرگ دست به دست می گردد برای نمونه در انگلستان گاه حزب کارگر و گاه حزب محافظه کار اکثریت را در پارلمان بدست . حزب حائز اکثریت در پارلمان دولت را تشکیل می دهد.

۳) نظام چند حزبی (نظامهای کثرت گرا): هنگامی است که سرشت جامعه موجب تبلور گرایش هائی در چند حزب سیاسی متشکل می‌شود. در کشورهایی مانند ایتالیا، فرانسه، هلند، سوئیس و آلمان چندین حزب به مبارزه انتخاباتی می پردازند بعلاوه رقابت بیشتر در نظامهای چند حزبی بسیاری از اوقات اکثریت

پارلمان از طریق ائتلاف چند حزب با یکدیگر صورت می‌پذیرد و دولتی که تشکیل می‌گردد یک دولت ائتلافی است

۴) نظام حزب حاکم: در این نظام چند حزب اجازه فعالیت دارند حامیان آنها تنها حزبی که به نظام حاکم وابسته است با تکیه بر اهرمهای قدرت و سلطه بر شبکه‌های مالی، سیاسی و تبلیغی همیشه از رقبای خود پیشی می‌گیرد. (صابری، بی‌تا: ۸-۶)

حال با فرض نهادینه شدن احزاب سیاسی در ایران کدام نوع از نظامهای حزبی برای کشور ما مفید خواهد بود؟

برخی از کارشناسان معتقدند برای یک کشور پهناوری مانند ایران تعدد و کثرت احزاب سیاسی می‌تواند آنها را از منافع ملی دور کند و به سمت مسائل حاشیه‌ای، قومی، محلی، منطقه‌ای، و قبیله‌ای سوق دهد که افت بزرگی برای احزاب سیاسی است در واقع وجود احزاب فراوان کوچک محلی یا وجود آن در نقاط مختلف باعث می‌گردد که احزاب به جای آنکه نگاه ملی داشته باشند نگاهشان محلی و منطقه‌ای گردد و این با کارویژه اصلی احزاب سازگاری ندارد. در کشوری که احزاب سیاسی رنگ غیر ملی پیدا کنند بجای آنکه منشأ یک توسعه پایدار باشند می‌توانند منشأ درگیری‌های فراوان باشند بنابراین برای کشوری مانند ایران باید به سمت یک نظام پایدار دو حزبی و یا حداقل دو قطبی پیش برویم و متناسب با آن نظام انتخاباتی طراحی کنیم نکته مهمی که باید به آن توجه کرد اینکه وقتی به فعالیتهای سیاسی چند سال اخیر نگاه می‌کنیم عملاً به سمت شکل‌گیری دو جریان و دو قطب عمده پیش رفتیم این قطب عمده نامهای مختلف داشته‌اند تا سالهای سال بنام چپ و راست معروف بودند و الان هم بنام اصلاح طلب و اصولگرا حضور دارند یعنی دو قطب عمده در کشور شکل گرفته است. درون هر یک از این قطبها شاهد تشکل‌ها و احزاب مختلف هستیم و عملاً افکار عمومی در ایران در درون یک نظام دو قطبی یا دو حزبی نهادینه می‌شوند. (ایوبی، ۱۳۸۷: ۷-۶)

از جمله مهمترین مشکلات در ایام انتخابات در صورت فقدان حزب و تشکل سیاسی عدم شناخت کامل و صحیح خود فرد از نامزدهای انتخاباتی است. این مسئله در برخی از انتخابات مانند انتخابات شوراهای شهر و روستا بخوبی قابل مشاهده است بویژه مشکل زمانی است که هر یک از ما بعنوان یک شهروند علاقمند به مشارکت در فرایند سیاسی بخواهیم در یک شهر بسیار بزرگی مانند تهران و تبریز و

برخی از شهرستانهای بزرگ از خیل انبوهی از نامزدها که حداقل ۵۰ نفر می باشند چند نفر را انتخاب نمائیم. تازه برنامه های تبلیغاتی و نیز برنامه های کاری آینده کاندیداها هم مسئله ای دیگر است. گاهاً کاندیداها خارج از توان خود به ارائه ای از برنامه های خود به طور کلی تن می دهند که شاید کاملاً ربطی به حوزه کارکردی آنها نداشته باشد. تبلیغات زود هنگام و پرخرج بخاطر نداشتن پایگاه اجتماعی و گاه برای افزایش پایگاه اجتماعی صورت می پذیرد. یا برای حل بحران نفوذ از ماهها بلکه سالها قبل از انتخابات اقدام به کارهایی مانند حضور در مجالس ختم، عروسی، ارسال پیامک به مناسبتهای گوناگون و... می کنند.

این در حالی است که اگر احزاب سیاسی نهادینه شوند و انتخاب افراد بر مبنای شناخت فکری و برنامه های آنان از طریق احزاب باشد، شناخت شخصی جایگاه خود را از دست می دهد و بنابراین بسیاری از هزینه ها که صرف شناخت شخصی افراد می گردد از میان برداشته خواهد شد. احزاب و گروههای سیاسی که به مردم معرفی می گردند مبین و گویای خاستگاه فکری و بینشی آنهاست و مردم همان شناختی که از احزاب و تشکلهای سیاسی دارند به فرد نامزد انتخاباتی تعمیم می دهند و لذا نیازی به تبلیغات آنچنانی ندارند و تقلیل ستادهای انتخاباتی در شهرستانها، بخشها و دهستانها را بدنبال دارد. علاوه بر آن رسانه ها بویژه صدا و سیما در سطح ملی و منطقه ای می توانند زمان معینی در اختیار نامزدها قرار دهند تا به معرفی خود و برنامه ها و دیدگاههای خود بپردازند. (رضایی، ۱۳۸۵: ۲۳۱) و خود حزب سیاسی مسئول عملکرد نامزدهای انتخاباتی بوده و در برابر مردم پاسخگو می باشند. در واقع در یک انتخابات حزبی اولاً مردم در تصمیم گیری خیلی راحت هستند، ثانیاً گزینه های انتخابی محدود می باشد و مردم با دیدی کارشناسانه و تحقیقی و از روی تجربه و آگاهی در واقع به خود حزب و برنامه های حزب رأی می دهند چرا که می توانند براحتی با بررسی تجربه و عملکرد احزاب مورد نظر در طول سالهای گذشته و انتخابات سابق تصمیم بگیرند و این نقش بسیار مهمی در توسعه و پیشرفت شهرها و بویژه کشور خواهد داشت و موجب حیف و میل ثروت نمی شود. بالعکس در صورت نبود احزاب قوی و کار آمد مردم دائماً در مرحله خطا و آزمون هستند و این مانع توسعه و پیشرفت در زمینه های مختلف خواهد بود.

به طور کلی اگر مردم برای فعالیتهای حزبی و گرایش به حزب به خوبی توجیه شوند، اعتماد مردم به

احزاب تقویت شود، احزاب نهادینه گردند و افراد سرشناس و متخصص و متعهد را جهت تصدی پستهای مختلف معرفی کنند و در کنار آن لیستی از برنامه ها و عملکردهای خود را به طور شفاف، منظم، منسجم و بدور از کلی گویی ارائه دهند و در مقابل مردم پاسخگو بوده و فعالیت مستمر و دائمی داشته باشند اولاً باعث رشد و توسعه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می شود و ثانیاً متدهای انتخاباتی دموکراتیک تر خواهد شد، ثالثاً گاندیداهائی که رأی آزاد و رها نخواهند بود و باید پاسخگو باشند و رابعاً باعث افزایش میزان مشارکتهای مردمی خواهد شد.

### نتیجه گیری

وجود احزاب سیاسی در جامعه یک نیاز ضروری و اساسی تلقی می گردد به طوری که هم دولت و هم جامعه نیاز به حزب دارد. علت اینکه جامعه نیاز به حزب دارد این است که امروزه خواسته های گروهها و اقشار متفاوت شده است و درکشان از نیازهای طبقاتی شان افزایش پیدا کرده است برای اینکه بتوانند این نیاز طبقاتی شان را به سیستم سیاسی افزایش بدهند و چون تحصیلاتشان افزایش پیدا کرده و آگاهی آنها بیشتر شده به قالب تشکیلاتی که اسمش را حزب می گذاریم تبدیل می شوند. دولت نیز احساس می کند که بدون حزب قابلیت تداوم ندارد. دولتها نیاز به این دارند که با جامعه ارتباط داشته باشند یکی از این ارتباطات حزب است. لذا مشارکتهای هم که در قالب حزب صورت می گیرد دموکراتیک تر خواهد بود. البته صرف وجود حزب کافی نیست باید موانع حزب برطرف شود آسیب شناسی جدی صورت پذیرد تا به یک نقطه ایده ال برسیم. مفاهیم توسعه سیاسی، مشارکت مردم، مشروعیت سیاسی، قانونمندی، تحمل و مدارا، نظم و ثبات سیاسی مفاهیمی هستند که نقطه تلاقی آنها ظهور احزاب و گروههای سیاسی می باشد.

### منابع فارسی

- اتحادیه، منصوره (۱۳۶۱)، *مرامنامه‌ها و نظام‌نامه‌های احزاب سیاسی ایران*، تهران، نشر تاریخ ایران.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۷۸)، «احزاب، ثبات سیاسی، امنیت ملی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره چهارم.
- اساسنامه خانه احزاب ایران (۱۳۸۴)، در: <http://www.ir-ph.org>
- ایوبی، حجه الله (۱۳۹۰)، «بایسته های تحزب پایدار»، *فصلنامه سیاسی-اقتصادی*، شماره ۲۸۳.
- باقری خوزانی، محمدحسین (۱۳۸۳)، «تحزب در ایران: آسیب شناسی تحزب در ایران»، *سخنرانی در مجمع عمومی خانه احزاب ایران*، ۲۱ خرداد ماه، در:
- [http://hamshahronline.ir/hamnews/1383/830403/world/\\_siasatw.htm](http://hamshahronline.ir/hamnews/1383/830403/world/_siasatw.htm)
- بدیع، برتران (۱۳۷۹)، *توسعه سیاسی*، ترجمه احمد نقیب زاده، تهران، نشر قومس.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۵)، *دییایچه ای بر جامعه شناسی سیاسی ایران*، تهران، نشر نگاه معاصر.
- درودی، سعید (۱۳۷۸)، «موانع قانونی تشکیل حزب در ایران»، *ماهنامه ایران فردا*، سال هشتم، شماره ۵۶.
- دوروزه، موریس (۱۳۵۴)، *اصول علم سیاست*، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- رحیمی، حسین، «نقش احزاب در توسعه سیاسی و امنیت ملی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره چهارم، تابستان ۱۳۷۸.
- رضایی، اسدالله (۱۳۸۵)، *کالبد شکافی احزاب سیاسی*، تهران، انتشارات آمه.
- رضایی، حسن (۱۳۸۱)، «موانع تکوین و گسترش فعالیت احزاب در جمهوری اسلامی»، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- زیباکلام، صادق (۱۳۷۹)، *مجموعه گفتگوهای سیاسی از دکتر صادق زیباکلام*، تهران، انتشارات روزنه.

\_\_\_\_\_ احزاب سیاسی و نقش آن در توسعه سیاسی ایران: مطالعه موردی انتخابات ◇

- سریع القلم، محمود (۱۳۸۱)، *عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران*، تهران، مرکز پژوهش های علمی و مطالعاتی استراتژیک خاورمیانه.

- صابری، غلامرضا (بی تا)، «نقش احزاب در انتخابات و نظامهای سیاسی»، *مجموعه مقالات همایش*

*افغانستان و انتخابات شورای ملی*، در: <http://www.bsharat.com/id/6/22.pdf>

- ظرفیتهای تحزب در ایران در گفتگو با حجت الله ایوبی (۱۳۸۷)، اسفند ماه، در:

<http://sasani53.persianblog.ir/post/68>

- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۲)، *بنیادهای علم سیاست*، تهران، نشر نی.

- علمداری، کاظم (۱۳۸۵)، «معمای ناپایداری احزاب»، *نشریه نامه سیاسی-فرهنگی*، شماره ۵۱.

- عیوضی، محمد رحیم (۱۳۸۲)، «عبور از استبداد: انقلاب اسلامی و تأثیر احزاب سیاسی بر روند رفتار انتخاباتی»، *مجله زمانه*، شماره ۱۵.

- فانی یزدی، رضا، «احزاب و بحران برنامه سیاسی»، *نشریه نامه سیاسی - فرهنگی*، شماره ۵۱، ۱۳۸۵.

- قوچانی، محمد (۱۳۸۴)، «حلقه مفقوده تحزب در ایران»، *روزنامه شرق*، سال دوم، شماره ۵۸۹.

- حاجی، حسین (۱۳۸۰)، *تأملات ایرانی: مباحثاتی با روشنفکران معاصر در زمینه فکر و فرهنگ ایرانی*، تهران، انتشارات روزنه.

- کلابو اسمیت، برایان (۱۳۸۰)، *فهم سیاست جهان سوم*، ترجمه از امیر محمد حاجی یوسفی و محمد سعید قائمی نجفی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی بین المللی وزارت امور خارجه.

- مقتدائی، مرتضی (۱۳۸۶)، «احزاب سیاسی ایران بعد از انقلاب: موانع و محدودیتها»، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان.

- منصور، جهانگیر (۱۳۸۶)، *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، نشر دوران.

- ناظری، محمدرضا (۱۳۸۱)، «علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در جمهوری اسلامی ایران»، *پایان نامه*

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال دهم، شماره بیست و نهم، زمستان ۱۳۹۳

کارشناسی ارشد، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی.

- نقیب زاده، احمد (۱۳۷۸)، *حزب سیاسی و عملکرد آن در جوامع*، تهران، انتشارات دادگستر.